



درس سوم

شناخت هنر گرافیک ۱

عنوان: **هنر مصر**

رود نیل در طول تاریخ منشا آبادانی و منبع حیات این سرزمین و ساکنان آن بوده است.

ساکنین مصر از دو تیره مختلف بوده اند. در قسمت شمالی، در دلتای نیل انسان هایی از نژاد آسیایی با صورت های گرد و پوست های روشن می زیسته اند. (تصویر ۱) ساکنین دره نیل مردمی با جمجمه ها و صورت های کشیده و پوست قهوه ای از تیره آفریقاییان بوده اند. (تصویر ۲)



تصویر ۲



تصویر ۱

این دو تیره در ابتدا حکومت های مجزا داشتند و در نتیجه سرزمین مصر به دو قسمت مصر علیا و مصر سفلی تقسیم شده بود که پادشاه نارمر که حکمران مصر علیا و فرماندهی مقتدر بود توانست با تسلط بر مصر سفلی اتحادی میان دو منطقه به وجود آورد و تاریخ مدون و مستند مصر هم از همین زمان شروع می شود.

تاریخ نویسان دوره کهن مصر را به سه بخش تقسیم نموده اند:

۱- دوره پادشاهی کهن ۲- دوره پادشاهی میانه ۳- دوره پادشاهی جدید

هنر مصر را در عهد کهن می توان اجمالا با صفات (دینی)، (ابدیت گرا)، (کاهنی) و (ایستا) توصیف نمود.

باید بدانیم که قدرت دین در مصر باستان با قدرت پادشاهان یکی بوده، چراکه پادشاهان مصر خود را دارای نیروی الهی می دانسته اند و به پادشاهان مصر باستان فرعون می گفتند و فراعنه موجوداتی جاودانی تلقی می شدند که مقررات جاری در عالم هستی و حیات طبیعی مشارکت داشته اند. به همین دلیل است که آثار هنری مصر باستان در بیشتر موارد در نقش برجسته ها و تندیس پادشاهان و ملکه ها (پیکرتراشی) به شکل مقابر پادشاهان (معماری) و تصویرگری مربوط به زندگی ایشان در این جهان یا جهان پس از مرگ (نقاشی) جلوه گر می شود.

نقش برجسته ها:

از قدیمی ترین آثار به جا مانده از هنر مصر لوحی سنگی است مربوط به عهد پادشاهی (نارمر) (تصویر ۳)



تصویر ۳

معماری:

گفتیم که هنر مصر کهن از اساس، هنری است دینی و ابدیت گرا، بدین معنی که مهمترین پدیده های زندگی انسانها آن وقایعی بوده که به نوعی با ماورای طبیعت ارتباط داشته است.

میان مرگ به عنوان مرز اتصال و دروازه ورود به جهان دیگر از اهمیت استثنایی برخوردار بود به همین جهت برجسته ترین آثار معماری به جای مانده را مقبره ها و معابد تشکیل می دهند. از بنای منازل مسکونی و ساختمان های عادی اثری باقی نمانده چراکه این بناها اغلب از تنه درخت و نی ساخته می شده است.

در سنت کهن مصر اعتقاد بر این بود که هر انسان جفتی اسرارآمیز به نام کا دارد (که) نیروی حیات اوست. (کا) که می توانیم آن را روح ترجمه کنیم پس از مرگ انسان به حیات خود ادامه می دهد ولی برای بقا، هنوز احتیاج به جسم مادی دارد. نیاز به حفظ و نگهداری جسم به منظور جایگاهی برای (کا) رفته رفته به مطالعاتی علمی در خصوص چگونگی جلوگیری از فاسد شدن بدن مرده رهنمون شد که در نتیجه آن (فن مومیایی کردن) اختراع گردید.

چون مصریان بر این باور بوده اند که انسان از مرگ همچون زندگی دنیایی به لوازم نیاز دارد، کلیه لوازم زندگی، زیورآلات، مبلمان ، پول و جواهرات قیمتی و حتی گاهی سگ و گربه های مومیایی شده همراه متوفی در مقبره قرار داده می شد. تابوت ها از جنس چوب بود و سپس روی آنها رنگ آمیزی می کردند و به نوشته ها و تصاویر شخص متوفی می آراستند.

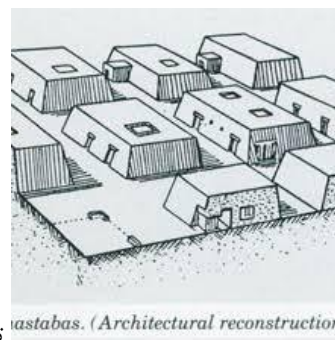
دیوار مقابر هم با نقاشی و نقش برجسته هایی از تمثال و وقایع زندگی متوفی تزیین می شد.

ابتدایی ترین شکل مقبره ها شکل به صورت سکویی ساده بود با وجوه جانبی شیبدار، که آنها را (مصطبه) می نامیدند. (تصویر ۴) این شکل رفته رفته متحول شد و به صورت هرم پله ای در مقبره شاه زوسر در آمد.

(تصویر ۵)



تصویر ۵



تصویر ۴

هرم های پلکانی هم متحول شدند. اوج این تحول را می توان در اهرام سه گانه مصر (تصویر ۶) که شهرت جهانی دارند و جز عجایب عالم و میراث بشری ثبت شده اند مشاهده نمود.



تصویر ۶

در کنار این معبد مجسمه عظیم ابوالهول قرار دارد. ارتفاع ۳۰ متر در نظر برخی جذاب تر از اهرام است. این مجسمه شیر نشسته که سر انسانی آن بازسازی شده چهره خفرن یکی از فراعنه قدرتمند مصر است، شاید عظیم ترین اثری است که برای به نمایش گذاشتن شوکت و قدرت یک امپراتور تاکنون ساخته شده است.

(تصویر ۷)



تصویر ۷

معماری مصر که مصالح آن در آغاز چوب و سپس خشت خام بود رفته رفته به معماری سنگی تبدیل شد و از شکل مصطبه های کوتاه به اهرام حجیم و بلند رسید.

معماری مذهبی از دوران مقبره یه معبد محوری کشیده شد.

در عهد امپراتوری جدید شوکت و جلال خود را بازیافت ولی این بار به شیوه و سبکی متفاوت. این بار هنرمندان معماری از عظمت های طبیعی برای شوکت بخشیدن به معابد بهره گرفتند. به جای اینکه کوهی مصنوعی و عظیم (هرم) بسازند کوه های با شوکت تر طبیعت را محور قرار دادند و معبد را در هماهنگی با آن با درایت و دقت بسیار بنا کردند.

مقبره ملکه (حت شپسوت) نمونه این معبد است. تصویر ۸



تصویر ۸

گفتیم که تندیس هایی از متوفی در داخل مقبره گذاشته می شد در این تندیس ها شباهت چهره مهمترین مسئله ای بود که تندیس ساز باید در نظر می گرفت. ظاهراً پیکر تراشان مصری به نمایش واقع گرایانه بدن توجهی نداشتند. در عوض د رهنر چهره سازی تا حد امکان به طبیعت وفاداری نشان می دادند. به علاوه سعی می کرده اند چهره فرعون را تحد امکان با ابهت و نافذ بسازند.

در بعضی از تندیس ها هنر نقاشی و مجسمه سازی به کمک هم شتافتند تا اثر نهایی جلوه ای طبیعی تر پیدا کند. به عنوان مثال در تندیس شاهزاده حُوتپ و همسرش که از جنس آهک ساخته شده، موها، ابروها و مژه ها و پوست بدن به صورت طبیعی رنگ آمیزی شده است. (تصویر ۹)



تصویر ۹

alamy stock photo

نقاشی:

نقاشی مصری را شاید بتوان به کتابها و دائرةالمعارفهای امروزی تشبیه نمود. چراکه حجم بسیار زیادی از اطلاعات دقیق، در آثاری مدبرانه، زیبا و ارزشمند حفظ شده است. بخش عمده دانش ما درخصوص نوع معیشت، شیوه لباس پوشیدن، ابزارو آلات و ظروف مورد استفاده و آیینهای مذهبی مصر کهن را می توان در آثار نقاشی به جای مانده از بیش از ۴۰۰۰ مقبره دریافت.

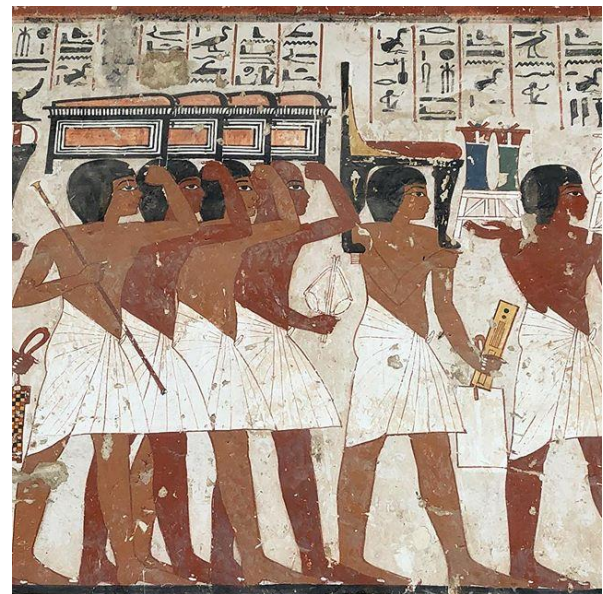
نقاشی با اشغال سطح و فضای کمتر، ویژگی دو بعدی، و قابلیت استفاده از طیف وسیعی از رنگ ها از لحاظ ثبت اطلاعات، نسبت به آثار معماری و پیکرتراشی اهمیت بیشتری دارد.

موضوع نقاشی های این تمدن کهن را می توان به سه طبقه کلی:

۱- اسطوره ای: موضوع اثر جهان خدایان و وادی پس از مرگ است. در این تصاویر فرد متوفی در ارتباط با خدایان و نیایش آنان ترسیم می شده است.

۲- آیینی: در نقاشی های آیینی، توجه نقاش، عمدتاً به مراسم سوگواری، تشییع جنازه و مراسمی از این سنخ معطوف می شده است.

۳- واقعه نگاری: در این مراسم معمولاً خود متوفی با سلامت جسمانی کامل در حال بهره مندی از لذایذ دنیوی است. مابقی آثار به جلوه هایی از زندگی روزمره و ثبت حوادث رایج اختصاص دارد. موضوعاتی چون: کشت و زرع، دامداری، ماهیگیری و... (تصاویر ۹)



تصاویر ۹